
حدیث موثق و اعتبار آن نزد دانشمندان امامی

حمید باقری*

محمد کاظم رحمان ستایش**

◀ چکیده:

بحث و سخن درباره اعتبار خبر موثق به دلیل فراوانی مصادیق آن در منابع حدیثی شیعه، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در یک نگاه کلی، دانشمندان شیعه را می‌توان به دو گروه دسته‌بندی کرد: گروهی باور به اعتبار حدیث موثق دارند که این نظر خود دو دیدگاه را شامل می‌شود، برخی خبر موثق را به طور مطلق و بعضی دیگر تنها موثقاتی را که مشهور بدان‌ها عمل کرده‌اند، معتبر می‌دانند؛ گروه دیگر، مخالف دسته نخست، به دلیل عدم احراز شرایط ایمان و عدالت در راوی غیر امامی مذهب، برای حدیث موثق اعتباری باور ندارند.

در این نوشتار، افزون بر اشاره به دیدگاه‌های مختلف و معتقدان هر یک، دلایل باورمندان عدم اعتبار خبر موثق، مورد بحث و مذاقه قرار گرفته و در نهایت، به این نکته اشارت رفته است که اختلاف مذهبی نمی‌تواند دلیل مطلق بر بی‌اعتباری خبر موثق باشد.

◀ کلیدواژه‌ها:

حدیث موثق، اعتبار و حجیت، اختلاف مذهبی، راویان غیر امامی.

* عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث، بنیاد دایرة المعارف اسلامی / hammid.bagheri@yahoo.com

** استادیار دانشگاه قم / kr.setayesh@gmail.com

مقدمه

با گسترش دامنه فقه و اصول و گفت‌وگوهای علمی میان دانشمندان شیعه و اهل سنت، و درهم آمیختگی روایات‌های درست و نادرست در سده‌های مختلف، به‌ویژه در قرن هفتم و هشتم هجری، این انگیزه پدید آمد که احمد بن طاووس حلّی (م ۶۷۷ ق) و شاگردش علامه حلّی (م ۷۲۶ ق)، دست به ابتکار جدید بزنند، و زمینه گسترش علم درایه را فراهم آورند، و علم رجال را وارد مرحله جدی‌تری سازند. ایشان، احادیث را به اعتبار راوی آن، به چهار گونه اصلی صحیح، حسن، موثّق و ضعیف تقسیم کردند. (عاملی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۴/ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۷۷) هر چند برخی معتقدند که چنین تقسیم‌بندی و اصطلاحاتی را در عصر ائمه علیهم‌السلام و شیوه قدام نیز می‌توان مشاهده کرد (خواجه‌بوی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۰ و ۱۷۱/ کنی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۴۳) اما بیشترین دانشمندان، تقسیم حدیث به چهار گونه فوق را، محصول تلاش متأخرین می‌دانند، و احمد بن طاووس و شاگردش علامه حلّی را پیشگام این عرصه برمی‌شمارند. (عاملی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۴/ بهائی، بی‌تا، ص ۲۶۹/ فضلی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶)^۱

نگاهی به تاریخ زندگانی ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه عصر طلایی حدیث شیعه در زمان صادقین علیهم‌السلام نشان از آن دارد که شماری از شاگردان آن رهبران راستین، از مخالفان مذهبی و باورمندان مکتب خلفا بوده‌اند، که علاوه بر علم‌آموزی به نقل سخنان ایشان نیز همت گماردند.

حدیث موثّق، یکی از گونه‌های چهارگانه حدیثی است که مقصود از آن، روایتی است که در سلسله سند آن یک یا چند راوی ثقة غیر دوازده امامی وجود داشته، و سایر روایات آن نیز توثیق شده باشند، که گاه بدان اصطلاح «قوی» نیز اطلاق می‌گردد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق [الف]، ص ۸۴/ عاملی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۴ و ۵/ عاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۹۷ و ۹۸/ بهائی، بی‌تا، ص ۲۶۹/ میرداماد، ۱۴۲۲ق، ص ۷۲/ کنی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۴۶/ صدر، بی‌تا، ص ۲۶۴)^۲

گستره فراوان و مصادیق بسیار روایات موثّق در منابع حدیثی شیعه، اهمیت پرداختن به آن‌ها را دو چندان می‌سازد. نکته حائز اهمیت در این باره، اعتبار و حجیت آن در

اندیشه دانشمندان و فقیهان شیعه است. شهید ثانی (م ۹۶۵ ق) دانشمندان شیعی را در عمل به خبر موثق به سه گونه تقسیم می‌کند. گونه نخست به طور مطلق، خبر موثق را می‌پذیرند، و گروه دیگر، نقطه مقابل این گروه‌اند، و روایات موثق را یکسره نامعتبر می‌دانند. گروه سوم نیز معتقد به تفصیل‌اند، و تنها روایاتی را که شهرت دارد و مشهور فقیهان به آن‌ها عمل کرده، می‌پذیرند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق [الف]، ص ۹۱/علیاری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۳۸ و ۴۳۹)

در این نوشتار، برآنیم تا به دیدگاه‌های مختلف پیرامون اعتبار حدیث موثق پردازیم و پس از بازگویی دلیل هر یک، آن‌ها را مورد کاوش قرار دهیم. با توجه به تأثیر مسئله اختلاف مذهب که از سوی عالمان امامی در دو شرط «ایمان» و «عدالت»- از شرایط راوی- به بحث گذاشته شده، بازتاب معنای اصطلاحی این دو مفهوم در ادبیات حدیث شیعه امامی، نقش محوری در اعتبار خبر موثق دارد. از این رو، در بخش دوم این نوشتار، جایگاه و گستره این دو مفهوم در اعتبار روایت از نظرگاه عالمان امامی سخن به میان خواهد آمد.

۱. عالمان امامی و اعتبار حدیث موثق

با نگاهی به منابع و آثار فقهی- اصولی، آرای فقیهان و اصولیان امامی درباره اعتبار خبر موثق را می‌توان در دو دیدگاه کلی مطرح ساخت. دیدگاه نخست، حدیث موثق را معتبر می‌داند، که باورمندان این نظر خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروهی اعتبار حدیث موثق را به طور مطلق پذیرفته، و برخی دیگر آن دسته از روایات موثق را معتبر می‌دانند که مشهور فقیهان به آن‌ها عمل کرده‌اند. طرفداران دیدگاه دیگر بر این باورند که خبر موثق هیچ اعتباری ندارد. در ذیل به تفصیل به این دیدگاه‌ها و طرفداران هر یک خواهیم پرداخت.

گروه اول: موافقان اعتبار حدیث موثق

همان‌طور که گفته آمد، موافقان اعتبار خبر موثق را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

گروهی از ایشان خبر موثق را به طور مطلق معتبر می‌دانند، و بر این باورند که مخالفت مذهب نمی‌تواند دلیل مطلق در ناعتمادی حدیث موثق باشد. برخی دیگر، بر این اعتقادند که تنها آن دسته از روایات موثق که مشهور عالمان و فقیهان امامی به آن‌ها عمل کرده‌اند، حجیت دارند و معتبر تلقی می‌شوند.

دسته اول: اعتبار مطلق خبر موثق

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) در خاتمه بحث حجیت خبر واحد در کتاب *العدة فی اصول الفقه*، بحثی را درباره حدیث موثق و اعتبار آن مطرح ساخته، و به اجماع عملی اصحاب در حجیت خبر موثق استناد جسته است. او بر این باور است که اصحاب امامی به روایات راوی غیر دوازده امامی، با در نظر داشتن وثاقت وی و حصول شرایطی دیگر عمل می‌کنند: «بر اساس آنچه گفتیم عالمان شیعی به روایات حفص بن غیاث، غیاث بن کلوب، نوح بن دراج، سکونی و دیگر راویان عامی مذهب از امامان شیعه چنانچه انکار نشده، و مخالف آن نقل نشده باشد، عمل کرده‌اند.» (طوسی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۴۹ و ۱۵۰)

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق، به نقل از حلی، ۱۳۸۷ ق، ج ۳، ص ۲۹۱)، قاضی ابن برآج (م ۴۸۱ ق) (۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۱۱۹) و ابن حمزه (م ۵۶۰ ق) (۴۰۸ ق، ص ۳۷۲) به روایت موثق ابن بکیر از امام صادق علیه السلام (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۳ ق، ج ۳، ص ۳۰۲، ح ۱۰۷۲) عمل کرده‌اند. دانسته است که عبدالله بن بکیر از راویان ثقة فطحی مذهب است. (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۷۳، ش ۴۶۱ / خوئی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۱، ص ۱۲۹، ش ۶۷۴۵) شایسته ذکر است که علاوه بر وجود ابن بکیر در سند حدیث، روایت مذکور را حسن بن علی بن فضال از روات فطحیه (ر.ک: نجاشی، ۱۴۲۴ ق، ص ۳۴، ش ۷۲ / طوسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۹۷، ش ۱۶۴) از ابن بکیر نقل کرده است. محقق سبزواری (م ۱۰۹۰ ق) (۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۳۱۶) معتقد است که جمهور متأخرین نیز به روایت مذکور از ابن بکیر عمل کرده‌اند. فقیه دیگری از عالمان متقدم که به روایت موثق عمل کرده، علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) است. وی به روایت سماعة بن مهران^۲ — از راویان واقفیه (درباره او ر.ک:

خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۳۰۸، ش ۵۵۵۴ و ص ۳۱۲، ش ۵۵۵۶)۔ از امام صادق علیه السلام عمل کرده است. (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴۳)^۵

از این رو، با توجه به مبانی حدیث پژوهی قدما و ملاک‌های ایشان در ارزیابی صحت روایات (درباره این ملاک‌ها ر.ک: شهیدی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳۹-۱۵۳)۔ چنانکه بزرگانی چون محقق بحرانی (م ۱۱۸۶ق) (بی تا، ج ۲، ص ۶۰۴) بیان داشته‌اند۔ می‌توان گفت که بیشتر حدیث پژوهان متقدم در موارد بسیاری به احادیث موثق عمل کرده‌اند. بر این اساس، شیخ حسین بحرانی آل عصفور (بی تا، ج ۱، ص ۲۳۳) بعید نمی‌داند که در مکتب قدما خبر موثق در زمره احادیث صحیح قرار می‌گرفته است.^۶ شهید ثانی آشکارا این دیدگاه را مطرح کرده و معتقد است که حدیث صحیح و موثق از منظر قدما یکسان بوده است. (۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۷۵۷)

هرچند علامه حلی (م ۷۲۶ق) در مواردی تنها به راویان غیر دوازده امامی‌ای که از اصحاب اجماع باشند، اعتماد کرده و آن‌ها را ثقه برشمرده و به احادیث ایشان اعتنا کرده است (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱۰، ۴۳۰ و ۴۵۳؛ ج ۲، ص ۲۶، ۷۶، ۱۷۲، ۱۸۹ و ۵۲۴؛ ج ۳، ص ۱۱۲ و ۲۰۸؛ ج ۴، ص ۹۱، ۱۶۰ و ۲۲۶؛ ج ۷، ص ۱۰۷ و ۳۶۷) اما در مواردی به روایت موثق نقل شده از غیر اصحاب اجماع نیز اعتماد کرده، و بر اساس آن حکم فقهی ارائه کرده است. (حلی، بی تا، ج ۸، ص ۳۶۱ و ۴۴۸)^۶ مؤید این سخن آنکه شهید ثانی قبول خبر موثق را از جمله آرای علامه در فروع فقه می‌داند. وی درباره اختلاف شیوه علامه حلی در اصول و فروع فقه و اعتبار خبر موثق در فروع نزد او می‌نویسد: «علامه همچون شیخ [طوسی] در عمل به روایات در شیوه خود منضبط نیست. [چنان‌که] در اصول فقه، ایمان و عدالت را در راوی شرط کرده است، [اما] در فروع فقه نظرات متعددی از جمله قبول خبر موثق مثل این نمونه دارد، بلکه در مواردی روایات پایین‌تر از رتبه موثق را نیز پذیرفته است.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۵۳۴)

محقق اردبیلی (م ۹۹۳ق) نیز پاره‌ای از موثقات را پذیرفته و عمل کرده است. (برای نمونه ر.ک: اردبیلی، ج ۲، ص ۲۸، ۴۱ و ۷۵؛ ج ۳، ص ۳۱۰ و ۳۶۲؛ ج ۹، ص ۳۲۳) در پنج سده اخیر، فقهی را نمی‌توان یافت که روایت موثقه را مورد تردید قرار داده باشد. شیخ

عبدالهادی فضلی (از عالمان عصر حاضر) (۱۴۲۱ق، ص ۱۶۸)، دانشمندان عصر پس از متأخرین و عالمان معاصر را از جمله باورمندان به اعتبار خبر موثق برمی شمارد.

وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ ق) (۱۴۱۹ق، ص ۴۹ و نیز ر.ک: همان، ص ۶۱/همو، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۱، ۱۵۱، ۲۲۳ و ۶۴۹)، میرزای قمی (م ۱۲۳۱ ق) (۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۹۷؛ ج ۴، ص ۳۱؛ ج ۵، ص ۱۶۳، ۱۷۳ و ۴۶۱/همو، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۴)، صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ق) (برای نمونه ر.ک: نجفی، ۱۳۶۵ش، ج ۳، ص ۲۸۰؛ ج ۴، ص ۶۰؛ ج ۵، ص ۲۷۱؛ ج ۶، ص ۲۵۲ و ۳۷۲؛ ج ۷، ص ۱۸۱؛ ج ۱۳، ص ۱۶۶) و آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ ق) (بی تا، ج ۱، ق ۲، ص ۳۶۰ و ۶۶۲؛ ج ۲، ق ۱، ص ۱۲۲) را می توان از جمله این فقیهان و عالمان دانست. آیت الله خوئی (م ۱۴۱۱ ق) (به نقل از بروجردی، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۱۰۹) نیز در بحث الصلاة خود به روایت موثق عمل کرده، و روایات موثق را در کنار روایات صحیح و حسن معتبر دانسته است. (ر.ک: غروی تبریزی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۵۶)^۴ در یک نگاه کلی تر، می توان گفت که آیت الله خوئی، فساد مذهب را معارض با وثاقت راوی نمی داند؛ از این رو، حکم به وثاقت عبدالله بن بکیر داده است: «از توثیق عبدالله بن بکیر از سوی شیخ طوسی و شیخ مفید و علی بن ابراهیم آگاهی یافتی، و دانستی که کشتی او را از جمله اصحاب اجماع برشمرده است. بر این اساس، خرده گیری در وثاقت وی شایسته نیست، هر چند که فطحی مذهب باشد.» (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۲)

دسته دوم: اعتبار نسبی خبر موثق

گروه دیگری از دانشمندان امامی، اعتبار نسبی روایات موثق را باور دارند. ایشان، آن دسته از احادیث موثق را که مشهور فقیهان شیعه به آنها عمل کرده اند، معتبر دانسته و معیار عمل خویش قرار داده اند. عالمانی همچون محقق حلی (م ۶۷۶ ق) (۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۱۹۰ و ۲۱۰؛ ج ۲، ص ۳۹۹ و ۵۸۹) و شاگرد او فاضل آبی (م ۶۹۰ ق) (فاضل آبی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸، ۲۴۴ و ۲۷۹؛ ج ۲، ص ۲۱۶) به روایات موثق جز در مواردی که ضعف روایت به عمل اصحاب جبران شده باشد، عمل نمی کنند. برای نمونه، محقق

حلی درباره روایتی از ابن فضال از عمرو بن سعید از مصدق بن صدقه از عمّار سبابی از امام صادق علیه السلام (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۶۷۸) می نویسد: «لا یقال رواة هذا السند فطحية، لأننا نقول هذا حق لكن من الثقات مع سلامته عن المعارض، ثم هذه الرواية معمول عليها بين الأصحاب عملاً ظاهراً، و قبول الخبر بين الأصحاب مع عدم الراد له یخرجه إلى كونه حجة.» (حلی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۶۲)

شایسته ذکر است که شیوه و ملاک محقق حلی در حکم به روایات معتبر، نشانگر عدم دخالت مذهب راوی به طور مطلق در اعتبار احادیث است. توضیح مطلب آنکه دانسته است شهرت عملی^۹ به مضمون یک روایت ملاک اعتبار آن نزد محقق حلی است (همان، ج ۱، ص ۲۹) که موضوع این شهرت می تواند هر یک از انواع چهارگانه حدیث قلمداد گردد. از این رو، حکم به اعتبار برخی روایات موثق از سوی محقق حلی قابل توجیه است. این مطلب به نوبه خود، این نکته را بازگو می کند که گاه خبر موثق نیز می تواند معتبر باشد.

درباره اعتبار حدیث موثق نزد شهید اول نیز، می توان گفت که هر چند او از فساد مذهب به عنوان یکی از عوامل بی اعتباری حدیث یاد می کند، نگاهی گذرا به عبارات او در آثار فقهی، نشان از جبران ضعف سند روایت با استناد به شهرت عملی از دیدگاه وی دارد. شهید اول در مقدمه کتاب *ذکری الشیعة* شهرت عملی را پذیرفته، و آن را موجب جبران ضعف سند دانسته است. (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۲)^{۱۰} برای نمونه، او درباره حکم انجام غسل برای فردی که سوختگی در بدن وی وجود داشته، به روایت نقل شده از زید از امام علی علیه السلام استناد کرده و معتقد است که شهرت مؤید محتوای حدیث بوده، و ضعف سند مخلاً آن نخواهد بود. (همان، ج ۱، ص ۳۲۸/ نمونه دیگر ر.ک: همان، ص ۳۲۹) در جای دیگر، پس از ضعیف شمردن حدیثی به سبب وجود راویان فطحی مذهب در سند آن، خود با وجود شهرت عملی و تلقی به قبول آن از سوی اصحاب، ضعف سند را مضر اعتبار حدیث نمی داند. (همان، ج ۳، ص ۲۲۹/ برای موارد بیشتر ر.ک: باقری، ۱۳۸۸ش، ص ۱۰۰-۱۰۳)

هر چند محقق کرکی (م ۹۴۰ق) در موارد متعددی (برای نمونه ر.ک: کرکی،

۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۷۹ و ۱۲۷؛ ج ۱۲، ص ۳۱۱ و ۳۷۰) روایات موثق را به سبب ضعف راوی و فساد مذهب او غیر معتبر دانسته است، اما اعتماد وی به حدیث موثقی که مشهور به آن عمل کرده است، نشان از آن دارد که وی نیز احادیث موثق جبران شده به عمل مشهور را می‌پذیرد. او دربارهٔ روایت مقاتل بن مقاتل (برای این حدیث ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۴۰۱، ح ۱۱۶)^{۱۱} می‌نویسد که هر چند حدیث مقاتل به سبب خود او که واقفی است و به دلیل ارسال در سند ضعیف است، اما صحیحة بن راشد (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۴۰۰ و ۴۰۱، ح ۱۴/ طوسی، ۱۳۶۳ق، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۴۵۷) و عمل گروهی از بزرگان شیعه آن را تأیید می‌کند: «و حدیث مقاتل و إن ضعف به لأنه واقفی و بالإرسال، إلا أن صحیحة بن راشد و عمل جمع من کبراء الأصحاب یعضده، فالقول بالجواز أقوى و إن کره.» (کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۷۹)

گروه دوم: مخالفان اعتبار حدیث موثق

دیدگاه عدم اعتبار روایات موثق بیش از پیش در عصر متأخرین شکل و قوت گرفته است. پس از علامه حلی، فخرالدین حلی (م ۷۷۰ق) (۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۹۱ و ۵۰۰؛ ج ۴، ص ۴۳۵) مطلقاً به موثقات عمل نکرده و فاضل مقداد (م ۸۲۶ق) (حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۰۰) روایات موثق را معتبر ندانسته است. فخرالدین حلی در *ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد* در توضیح حکم پدرش - مؤلف *قواعد الأحكام* - به ضعف یک روایت می‌نویسد: «گویم که این روایت ابن بکیر از ابی عبدالله علیه السلام است که طلاق صبی هنگامی که به ده سالگی می‌رسد جایز است»^{۱۲}، [اما] مصنف به ضعف سند این حدیث حکم کرده است، زیرا ابن بکیر ضعیف است. [اما] (بدان که) شیخ در النهایة به این روایت عمل کرده، و به درستی چنین طلاق فتوا داده است. این دیدگاه، نظر برگزیدهٔ شیخ مفید در *المقنعه* و علی بن بابویه در *الرساله* و ابن برّاج و ابن حمزه است. آنچه مصنف در اینجا ذکر کرده، دیدگاه ابن ادریس و ابوالصلاح است، همین نظر نزد من صحیح‌تر است، به دلیل روایتی که ابوالصباح کنانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که "طلاق صبی چیز قابل اعتمادی نیست"^{۱۳}. (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۹۱)

ابن فهد حلّی (م ۸۴۱ ق) نیز در مواردی از کتاب خود، از فخرالدین حلّی پیروی کرده، و موثقات را نامعتبر انگاشته است. او دربارهٔ روایتی که موافقان پذیرش شهادت زنان در رضاع طفل از ابن بکیر از امام صادق علیه السلام به آن استناد می‌جویند، می‌نویسد که فخرالدین حلّی از سه جهت این حدیث را ضعیف دانسته است: یکی به دلیل وجود ابن بکیر در سند آن، و دیگری، ارسال سند و سوم اخذ به دلالت مفهوم روایت. چنین به نظر می‌رسد که نقل سخن فخرالدین حلّی توسط ابن فهد و سکوت در برابر آن، نشان از پذیرش حکم وی دارد. (ابن فهد، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۳۷)

شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) نیز به روایات موثق عمل نکرده، و دوازده امامی نبودن راوی را از دلایل ضعف او دانسته است. او دربارهٔ مستندات روایی باورمندان جواز وصیت به مضاربه می‌نویسد: «در مستندات این نظر اشکالاتی وجود دارد. دربارهٔ روایات استناد شده باید اشاره کرد که در سند روایت نخست، خالد [بن بکیر] واقع شده که مجهول است، و در طریق روایت دوم علی بن فضال و ابوالحسن^{۱۴} قرار گرفته‌اند که هر چند این دو تن ثقه‌اند، فاسد العقیده‌اند و عمل به روایت موثق خارج شدن از شرط ایمان در راوی است. [این نکته را نیز باید افزود که] جبران ضعف سند با شهرت، خود ضعیف است که ضعف آن توسط شهرت این دیدگاه جبران شده است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۵۶) محقق بحرانی دربارهٔ شیوهٔ برخورد شهید ثانی با روایات موثق می‌نویسد که شهید خبر موثق را در زمرهٔ روایات ضعیف برمی‌شمرده است. (بحرانی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۴۹۱)

همان‌گونه که گفته شد محقق اردبیلی (م ۹۹۳ ق) خود پاره‌ای از موثقات را پذیرفته و عمل کرده است، لکن پس از وی شاگردانش، سید محمد عاملی^{۱۵} (م ۱۰۰۹ ق) (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۹، ۸۲ و ۱۶۲؛ ج ۳، ص ۱۶، ۴۳ و ۱۷۷؛ ج ۴، ص ۱۵۹ و ۴۸۴؛ ج ۷، ص ۱۰۷، ۲۲۱ و ۲۲۲؛ ج ۸، ص ۲۴۸) و شیخ حسن، صاحب *معالم‌الدین* و ملاذ *المجتهدین* (م ۱۰۱۱ ق) روایات موثق را ضعیف دانسته‌اند. شیخ حسن در بحث از شرایط عمل به خبر واحد که همگی متعلق به راوی است، ایمان را شرط دانسته، و لذا روایات غیر دوازده امامی همچون ابان بن عثمان را که ناووسی و از اصحاب اجماع^{۱۶}

است، ضعیف و غیر قابل اعتماد و نامعتبر انگاشته است. وی دربارهٔ سومین شرط لازم در راوی و توضیح آن می‌نویسد: «سوم: ایمان؛ اشتراط آن مشهور میان عالمان امامی است. دلیل این گروه آیه "إِنْ جَاءَكُمُ فَاسِقٌ" است. محقق [حلی] از شیخ [طوسی] حکایت کند که وی عمل به اخبار فطحیه و راویان مشابه آن‌ها را به شرط عدم اتهام راوی به دروغگویی جایز می‌دانسته است... [اما] دیدگاه مورد اعتماد من همان نظر مشهور است.» (عاملی، بی‌تا، ص ۲۰۰)

همان‌گونه که از کلام شهید ثانی در *مسالك الأفتها* و دیگران مشخص است، اختلاف مذهبی و فساد مذهب و به تبع آن، عدم وجود ایمان در راوی، دلیل عمدهٔ ضعف روایات راویان غیر امامی است. از این رو، شایسته است دربارهٔ فساد مذهب و اختلاف مذهبی راویان، و تأثیر آن بر پذیرش و یا عدم پذیرش اخبار ایشان، مختصری سخن گفته آید.

۲. اختلاف مذهب و تأثیر آن بر اعتبار حدیث

دانشمندان حدیث‌شناس امامی در جریان معرفی روایات صحیح، قواعد و ضوابطی را پی‌ریزی کردند تا احادیث را با در نظر داشتن این قواعد مورد ارزیابی قرار دهند. برخی از این قواعد، سند حدیث و برخی دیگر متن آن را شامل می‌شد. بررسی سندی حدیث، که از آن به نقد خارجی نیز یاد می‌شود، مجموعهٔ راویان اسناد روایات و ویژگی‌های آن‌ها را بررسی می‌کند. مراد از بررسی سند، بیان جهات قوت و ضعف زنجیرهٔ راویان است. جهاتی که به یک سند قوت می‌بخشد، مواردی همچون کثرت طرق، اتصال زنجیره‌ها و قلت وسائط است، و در مقابل، اموری همچون غرابت، انقطاع و کثرت واسطه‌ها و موارد دیگر، سند را ضعیف می‌کند. (غفاری، ۱۳۶۹ش، ص ۳۶-۷۴/ سبحانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۱-۱۲۰)

در این میان، توجه به باورهای عقیدتی راویان سلسله سند در نگاه محدثان و رجال‌شناسان، اهمیت فراوان دارد، چندان‌که فساد عقیده را از جمله ضعف‌های راوی دانسته‌اند که موجب ضعف سلسلهٔ سند حدیث می‌گردد. (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲،

ص ۳۱۶)^{۱۷} معمولاً عالمان شیعی، فساد عقیده راوی حدیث را بیش از همه در بخش شرایط راوی، و ضعف‌هایی که بر روایت احادیث به واسطه فقدان برخی از این شروط واقع می‌گردد، مورد بررسی قرار داده‌اند.

الف. ایمان و جایگاه آن در پذیرش روایت

حدیث پژوهان در نخستین گام نقد و بررسی اسناد روایات، شرایطی همچون اسلام، عقل^{۱۸}، بلوغ، ایمان، عدالت و ضبط را برای راوی حدیث، به هنگام ادای آن، عنوان کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق [الف]، ص ۱۸۱-۱۸۹ / عاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۸۷ / عاملی، بی تا، ص ۱۹۹-۲۰۳ / بصری، ۱۴۲۲ق، ص ۳۰ و ۳۱ / بصری، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۳ و ۳۴ / قمی، بی تا، ص ۴۵۶ / مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۳-۵۳ / فضلی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۶-۱۸۹) درخور ذکر است که دو شرط ایمان و عدالت از میان شرایط مذکور ارتباطی مستقیم با مذهب راوی دارد؛ از این رو، بحث تفصیلی و مبسوط از این دو شرط و محدوده آن در اندیشه عالمان شیعی در مقاله‌ای دیگر آمده است، و در اینجا به ذکر نکات پر اهمیت بسنده می‌شود.

ذکر این نکته لازم است که بیشتر شرایط مذکور، هنگامی معتبر است که مبنای حجیت خبر واحد دلایل خاص (آیات و روایات و اجماع) باشد، اما چنانچه مبنای اعتبار خبر واحد مطلق ظن و یا اطمینان عقلایی باشد، دو دیدگاه وجود دارد: نخست آنکه هیچ یک از این شرایط، ارزشی جز آگاهی دادن به عدم حصول ظن و یا بیان مراتب ظن، و یا تحریم عمل در صورت فقدان آن شرایط ندارد (قمی، بی تا، ص ۴۵۶) و دیگر آنکه با پذیرش ملاک اعتبار مطلق ظن، تنها حصول دو شرط عقل و ضبط لازم می‌آید. (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۲ و ۱۳)

ایمان از ریشه «امن» در باب افعال، در لغت به معنای تصدیق آمده است. (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰۷۱ / ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ج ۱۳، ص ۲۱ / زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۲۴) قبول و اذعان به قلب را تصدیق گویند. معانی متعددی برای اصطلاح ایمان ذکر شده است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۳-۵۵ / نیز ر.ک: مازندرانی، بی تا، ج ۸،

ص ۴۶ / شیخ عبدالحسین، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸-۴۰) اما در عرف حدیث‌شناسان، مقصود از ایمان آن است که راوی خبر، امامی اثنی‌عشری باشد. ابن‌ادریس، محقق حلی، علامه حلی، شهید اول، شهید ثانی، محقق کرکی، شیخ حسن، سید محمد عاملی و دیگران، قائل به اشتراط ایمان در راوی شده‌اند. (ر.ک: حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۹ / شهید ثانی، ۱۴۱۳ق [الف]، ص ۱۸۹ / عاملی، بی‌تا، ص ۲۰۰ / مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۶ / فضلی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۶)^{۱۹} شهید ثانی، پدر شیخ بهائی، صاحب معالم و احمد بن عبدالرضا بصری این باور را مشهور میان اصحاب دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق [الف]، ص ۱۸۹ / عاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۸۷ / عاملی، بی‌تا، ص ۲۰۰ / بصری، ۱۴۲۵ق، ص ۳۰) هر چند که شیخ محمد حسین حائری این ادعا را اثبات نشده می‌داند. (۱۴۰۴ق، ص ۲۹۲)

میرداماد می‌نویسد که برخی صحت عقیده راوی را تا بدان حد مهم می‌دانند که خبر قوی را بر حدیث موثق مقدم می‌دارند، آن هم تنها به دلیل صحت عقیده راوی حدیث قوی. (میرداماد، ۱۴۲۲ق، ص ۱۸۵)^{۲۰}

محقق بحرانی معتقد است که بر اساس احادیث منقول، ایمان جز برای امامی اثنی‌عشری قابل‌تصویر نیست. (بحرانی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۰۲-۲۰۴) شهید ثانی در مسالك الأفهام، یکی از دو معنای خاص ایمان را اعتقاد به ولایت ائمه اثنی‌عشر می‌داند.^{۲۱}

این گروه بر این اعتقادند که شخص غیر مؤمن، فاسق است و هیچ فسقی بالاتر از عدم ایمان نیست. (اردبیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۰ به نقل از فاضل مقداد / عاملی، بی‌تا، ص ۲۰۰ / نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۸، ص ۱۰۱) از این رو، با توجه به آیه تثبت (و یا نبأ، حجرات: ۶) خبر راوی غیر مؤمن مردود است. مقتضای اعتبار ایمان در راوی چنان است که خبر راوی غیر امامی، خواه از فرق شیعه باشد خواه از اهل سنت، قابل اعتماد و پذیرش نخواهد بود. (قمی، بی‌تا، ص ۴۵۷ / مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۶) درخور ذکر است که از فساد مذهب راوی به عنوان یکی از اسباب ذم وی یاد شده است. (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۱۶ / کنی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۱۴ به بعد / بروجردی، ۱۴۱۰ق،

میرداماد معتقد است که حقیقت ایمان و صحت در عقیده، مناط اجرای اصالت صحت در گفتار و کردار است، و از سوی دیگر فسق، موجب تثبیت در خبر می‌گردد، و بزرگ‌ترین فسق، عدم ایمان است؛ از این رو، وی خبر حسن را مقدم بر خبر موثق می‌داند. (میرداماد، ۱۴۲۲ق، ص ۱۸۵)

در پاسخ به استدلال این گروه آمده است که آیه نأ در صدد بیان رد مطلق خبر فاسق نیست، بلکه مفهوم آیه وجوب تبیین را لازم می‌داند، که توثیق و پرهیز راوی از دروغ، خود نوعی تثبیت و تبیین به شمار می‌رود. (قمی، بی تا، ص ۴۵۸/ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۸/ حائری، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۲)

در مقابل معتقدان به اشتراط ایمان، گروه دیگری با اندیشه اشتراط ایمان و عدم پذیرش خبر راوی غیر امامی به مخالفت پرداخته‌اند. علامه حلّی در یکی از دو نظر خود، این رأی (عدم اشتراط ایمان در راوی) را پذیرفته است. هر چند ایشان در مباحث اصول فقه خود، وجود ایمان و عدالت در راوی را شرط دانسته است، در موضوعات فقهی، آرای متعددی از جمله پذیرش خبر موثق را پی گرفته است.^{۲۲} شاهد دیگر بر این سخن آن است که علامه حلّی در کتاب خلاصه الأقوال، شماری از راویان فاسد المذهب را در بخش نخست یعنی «فیمن اعتمد علیه» ذکر کرده است، هر چند که گفته آمد در مباحث اصولی خود، وجود ایمان را شرط راوی می‌داند. (به نقل از قمی، بی تا، ص ۴۵۸)^{۲۳}

از شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) (۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۲۶)، میرزا محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۳ ق) (۱۴۲۴ق، ص ۱۰۶-۱۰۹)، سید مهدی بحر العلوم (م ۱۲۱۲ ق) (۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۱۲۴-۱۲۷ و ۱۵۲)، میرزای قمی (م ۱۲۳۱ ق) (بی تا، ص ۴۵۸) و شیخ محمد حسین حائری اصفهانی (م ۱۲۵۵ ق) (۱۴۲۵ق، ص ۲۹۲) می‌توان به عنوان معتقدان این دیدگاه یاد کرد. مستند غالب ایشان، شیوه قدما و اصحاب ائمه در قبول روایت راوی ثقه و معتمد است.

شیخ طوسی، شیوه دانشمندان متقدم را چنین تشریح می‌کند که ایشان میان راویان غیر امامی تفاوت قائل شده‌اند، راویان ثقه را توثیق و ضعفا را تضعیف کرده‌اند. راویانی

را که می‌توان به نقل‌هایشان اعتماد کرد، از دیگران جدا ساخته‌اند. (طوسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۴۱)^{۲۴} برای نمونه، در شرح حال طلحة بن زید آمده است که هر چند وی عامی مذهب است، کتاب وی قابل اعتماد است. (همو، ۱۴۱۷ق، رقم ۳۷۲)^{۲۵} شیخ طوسی در ادامه بر عمل اصحاب به روایات راوی غیر امامی تصریح می‌کند. (همو، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۴۹ و ۱۵۰) در توضیح این مطلب باید اشاره کرد که در عملکرد قدما، ضعف و فساد مذهب چندان در ارزیابی راوی و بالطبع پذیرش حدیث او دخالت ندارد. شاهد این سخن، تفکیک ضعف مذهب روات از وثاقت ایشان، و نیز معتبر دانستن آثار برخی راویان با وجود ضعف اعتقادی ایشان است. (شهیدی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۴۱ و ۱۴۲)

علاوه بر استناد به شیوه قدما، برخی نیز روایت امام صادق علیه السلام که فرموده است: «إذا أنزلت بكم حادثة لا تجدون حکمها فیما روی عنا فانظروا إلی ما رووه عن علی علیه السلام فاعملوا به» (طوسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۴۹) را مستند اعتبار روایات عامه می‌دانند (نراقی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴۲) و شیخ انصاری (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۲) نیز آن را در صورت عدم وجود حدیث معارض در روایات شیعی، دال بر اخذ روایات شیعه و احادیث عامه می‌داند.

این نکته را باید اذعان کرد که اصحاب به روایات راویانی از فرق فاسد المذهب همچون فطحیه، واقفه، بنوفضال و طاطریون به شرط وثاقت و پرهیز از دروغ و عدم نقل روایت و عمل مخالف اصحاب، عمل کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۵۰/ بحر العلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۴، فائده ۲۷، ص ۱۴۶-۱۴۹)

به طور خلاصه، می‌توان گفت که شیخ طوسی و هم‌اندیشان وی، مبنای عمل به خبر راوی را، وثاقت و اعتماد به او و پرهیز وی از دروغ می‌دانند. (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۸۸/ مدنی شیرازی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۷۲/ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۰/ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۶۹)^{۲۶} نکته‌ای که در کلام منقول از امام حسن عسکری علیه السلام در حق بنی‌فضال واضح و آشکار است.^{۲۷} شاید بتوان گفت که همین مبنای دلیل اعتماد قدما به کتب مؤلفان فاسد المذهب بوده است. شیخ طوسی در این باره

می‌نویسد: «هرگاه نام هر یک از مصنفان و صاحبان اصول را ذکر کردم، ناگزیر به هر آنچه از جرح و تعدیل درباره او گفته شده و آنکه آیا می‌توان به روایات او اعتماد کرد، اشاره می‌کنم، و نیز باور اعتقادی او را که آیا موافق مذهب حق است یا مخالف آن آشکار می‌سازم، چرا که بسیاری مصنفان و صاحبان اصول اصحاب ما منسوب به مذهب فاسده هستند، حال آنکه کتب و تألیفات ایشان مورد اعتماد است.» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۲)^{۲۸}

ذکر این نکته در پایان این بحث ضروری است که چنان‌که گذشت، هر چند بسیاری از عالمان و فقیهان در مباحث فقهی و اصولی خود، وجود ایمان در راوی را از جمله شرایط وی عنوان کرده‌اند، اما هم ایشان در فقه و کتب فقهی خود به روایات فراوان منقول از راویان ثقة فاسد العقیده - که در اصطلاح آن را حدیث موثق نام نهاده‌اند - عمل کرده‌اند.

سخن آخر آنکه اگر سیره عقلا به عنوان مبنای حجیت خبر واحد پذیرفته شود، فساد عقیده مانع مطلق در پذیرش روایت نخواهد بود. در غیر این صورت نیز در مواردی که راوی غیر امامی و فاسد المذهب ثقة باشد، می‌توان با در نظر گرفتن نکات ذیل از شرط مذکور چشم‌پوشی کرد:

الف. روایت راوی ثقة از اهل سنت: در مواردی که یکی از شرایط ذیل را دارا باشد، حدیث اطمینان‌آور بوده و عمل بر مبنای آن جایز است: اولاً از ائمه شیعه نقل حدیث کند؛ ثانیاً در میان روایات شیعی، حدیثی مخالف آن نقل نشده باشد. (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۴۹)^{۲۹}

ب. روایت راوی ثقة شیعه غیر امامی: در مواردی که یکی از شرایط ذیل را دارا باشد، روایت قابل اعتماد و عمل به آن جایز است: اولاً روایتی از طریق امامی و نیز عملی از ایشان بر خلاف مضمون روایت نقل نشده باشد؛ ثانیاً روایت همراه با قرائن اطمینان‌آور باشد؛ ثالثاً روایتی در موافقت مضمون آن در میان روایات امامی یافت شود، در این صورت اگر راوی از دروغ پرهیز کند و در حفظ امانت قابل اطمینان باشد، می‌توان به روایات وی عمل کرد، هر چند که در اصل اعتقاد راه ناصواب را رفته

باشد. (ر.ک: همان، ص ۱۴۹ و ۱۵۰)

در خور توجه است که عمل بسیاری از فقیهان اصولی شیعه به خبر موثق و اعتبار روایت راوی ثقه غیر امامی نزد ایشان مؤید دیدگاه مذکور است.

ب. عدالت و جایگاه آن در پذیرش روایت

عدالت از دیگر شرایطی است که در مورد راوی، به هنگام نقل حدیث، ذکر شده است. شیخ حسن (م ۱۰۱۱ ق) در *منتقى الجمان* (ج ۱، ص ۵) معتقد است که شخص فاسد المذهب هیچ‌گاه به عدالت حقیقی متصف نمی‌شود. باید گفت که وی در این سخن، با تمام عالمان و فقیهان پیش از خود مخالفت کرده است، چرا که ایشان حکم به عدالت راوی، هر چند فاسد المذهب باشد، داده‌اند.^{۳۰}

عدالت از ریشه «عدل» و در لغت به معنای میانه‌روی در امور و یا استوا و استقامت آمده است. (ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ج ۱۱، ص ۴۳۰/زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۷۱) این واژه نزد پژوهشگران علوم مختلف، معانی و مفاهیم متعددی را که این مقال، جای پرداختن به این معانی را ندارد.^{۳۱}

شایسته ذکر است که بیشترین دانشمندان شیعه، وجود عدالت در راوی را از جمله شروط لازم در راوی دانسته‌اند (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۴) اما چنان‌که صاحب *هدایة المسترشدين* می‌نویسد اعتبار وجود آن در راوی معرکه آراست. (رازی نجفی، بی تا، ج ۳، ص ۴۳۴) اما آنچه شایسته اشاره است، آنکه با توجه به مشرب قدما در تصحیح روایت، عدالت و وثاقت راوی یکی از طرق حصول اعتماد به صدور حدیث خواهد بود. (به نقل از فضلای، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۰)

مامقانی (۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۵) پس از ذکر اشتراط عدالت در راوی و ذکر نام معتقدان آن، به مخالفین این رأی پرداخته، و شیخ طوسی را از زمره مخالفان اشتراط عدالت در راوی عنوان داشته است. البته درخور ذکر است که درستی این باور محل تردید است، چه همان‌گونه که از کلام شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۵۲)^{۳۲} آشکار است وی عدالت را به عنوان شرایط راوی پذیرفته است، لکن در تفسیر آن به

«وثاقت در نقل و پرهیز از دروغگویی» با دیگران مخالفت کرده، و عدالت مورد نظر در خصوص راوی را به همین معنا دانسته است.

در مقابل معتقدان اشتراط عدالت، برخی همچون سید مهدی بحر العلوم (م ۱۲۱۲ ق) و آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ ق) وجود آن را معتبر می‌شمارند، و تنها وثاقت و پرهیز راوی از کذب را شرط پذیرش روایت می‌دانند. (بحر العلوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۴، ص ۱۲۵/ همدانی، بی تا، ج ۱، ق ۲، ص ۶۰۹؛ ج ۲، ق ۱، ص ۹۶/ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۱، ص ۳۳۶۹)

میرزا محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۳ ق) نیز نظر شیخ طوسی را رأی صواب دانسته و معتقد است که اشتراط عدالت برای راوی که علامه حلی در پذیرش خبر بیان کرده، غلط است، زیرا شیوهٔ قدما و اصحاب ائمه در قبول روایت اعتماد به راوی ثقه بوده است. (استرآبادی، ۱۴۲۴ ق، ص ۱۰۶-۱۰۹) مامقانی نیز رأی شیخ طوسی را اقوی شمرده است. (۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۴۳) شیخ محمد حسین حائری نیز به جای عدالت، مدح راوی را بدان چه که موجب ظن به پرهیز وی از دروغگویی شود، و سبب اعتماد به روایت او گردد، معتبر می‌داند. (۱۴۰۴ ق، ص ۲۹۴)

به هر حال باید اذعان کرد معنا و تفسیر عدالت در عبارات دانشمندان شیعه هر چه باشد، با توجه به سیرهٔ رسول اکرم ﷺ و تاریخ صدر اسلام، راه آشکارسازی عدالت جز همان ظاهر حال مسلمان چیزی نیست^{۳۴}، چه آنکه پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ فرماندهان لشکر و حاکمان سرزمین‌های اسلامی را معمولاً از میان همان مسلمانان عصر خود انتخاب می‌کردند. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که در آغاز، امر قضاوت و همچنین امامت جمعه و جماعت توسط همین امیران انجام می‌شد.

افزون بر مطلب فوق، سهل بودن اسلام، که مسلم است و در روایات بدان اشارت رفته است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۵، ص ۴۹۴، ح ۱) با غیر این معنا منافات دارد، زیرا یا باید عدالت را در قضاوت و شهادت و حضور در مجلس طلاق و امامت جمعه و جماعت لازم ندانست، و یا به فرض لزوم، راه کشف آن را تنها همان حُسن ظاهر و عدم مشاهدهٔ فسق، معنا کرد. بر همین اساس است که در صحیحۀ ابن ابی‌یعفور

از عدالت با عبارت «بأن تعرفوه بالستر» (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۶، ص ۲۴۱، ح ۵۹۶) تعبیر شده، و در روایت نبوی چنین آمده است: «من عامل الناس فلم يظلمهم و حدثهم فلم يكذبهم، و وعدهم فلم يخلفهم، فهو ممن كملت مروءته و ظهرت عدالته و وجبت أخوته و حرمت غيبته.» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۰۸، ح ۲۸ / خطیب بغدادی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۰۱) ۳۵

آنچه دربارهٔ ارتباط میان عدالت و مذهب، حائز اهمیت است آنکه برخی با بیان معنای اوصافی همچون «عدل» و «عدول»، که در کتب جرح و تعدیل و لسان عالمان رجالی به کار رفته است، بر این باورند که میان عدالت فرد و مذهب وی پیوندی تنگاتنگ وجود دارد. ایشان معتقدند که ایمان، به معنای اعتقاد به ائمهٔ اثنی عشر، در بطن مفهوم عدالت جای گرفته است، زیرا هیچ فسقی عظیم‌تر از عدم وجود ایمان نیست. (به نقل از اردبیلی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۰ / میرداماد، ۱۴۲۲ق، ص ۱۸۵) شیخ حسن عاملی در کتاب *منتقى الجمال* می‌نویسد: «قید عدالت بی نیاز از اشاره به امامی مذهب بودن [راوی] است، چرا که فاسد المذهب هیچ‌گاه در حاقّ واقع به عدالت متّصف نگردد. چگونه ممکن است [وی به عدالت توصیف شود؟!]. و حال آنکه عدالت حقیقت عرفیه‌ای در معنای مشهور است که قطعاً با فساد عقیده قابل جمع نیست.» (ج ۱، ص ۵)

سخن استوار در این بحث همان است که شهید ثانی (۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۱۶۰)، شیخ بهائی (۱۴۲۳ق، ص ۹۳)، محدث کاشانی (به نقل از نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۸، ص ۱۰۱)، محقق نراقی (همان، ج ۱۸، ص ۱۰۲) و شیخ علی خاقانی (۱۴۰۴ق، ص ۵۲) مبنی بر عدم وجود مفهوم امامی در معنا و مدلول عدالت ذکر کرده‌اند. یکی از عالمان معاصر، نه تنها ایمان به معنای امامی مذهب بودن راوی و تفسیر عدالت در معنای مصطلح آن را نپذیرفته، بلکه با اشتراط وجود این دو (یعنی ایمان و عدالت) در راوی مخالفت کرده است. وی در این باره می‌نویسد: «و اما در مورد شرط چهارم و پنجم [یعنی ایمان و عدالت] باید گفت که سخن صحیح آن است که آن دو را حذف کرده، و جایگزین آن وجود وثاقت، یعنی صداقت در گفتار، را بر اساس مبنای حجیت خبر فرد ثقه مشروط بدانیم.» (محسنی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۰۲)

با توجه به ادله و مطالب متعدد می‌توان گفت که مفهوم امامی در معنا و مدلول عدالت وجود ندارد، زیرا:

۱. خواجه نصیرالدین طوسی در معنای فسق می‌نویسد که آن عبارت است از «الخروج عن طاعة الله مع الإيمان». (حلی، ۱۴۱۷ق [ب]، ص ۵۷۷) هر چند ظاهر تعریف فوق این نکته را می‌رساند که مقصود خواجه از ایمان همان اسلام است، اما اقتضای چنین تعریفی از فسق، تحقق عدالت در صورت عدم خروج از فرمانبری پروردگار همراه با اعتقاد به اسلام را به دنبال خواهد داشت، بلکه افزون‌تر از این سخن، می‌توان گفت که کلام بسیاری به صراحت در عدم تحقق عدالت در کفر دلالت دارد. (کلباسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۳)

۲. شهید ثانی بر این باور است که عدالت در تمام معتقدان ادیان و مذاهب به شرط عمل بر اساس باورهایشان قابل تحقق است. (۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۰۱) این سخن آشکارا به عدم وجود مفهوم «امامی» در معنا و مفهوم اصطلاح «عدالت» دارد.

۳. عدم ذکر قید ایمان در معنای عدالت دلیل دیگری بر این مدعاست. چنان‌که در تعاریف دانشمندان شیعه از واژه عدالت آمد، هیچ‌یک از ایشان مفهوم «امامی» را در مدلول عدالت ذکر نکرده‌اند.

۴. از کاربرد یکسان شیعیان و اهل سنت از واژه «عدالت» و اشتراک معنایی آن میان ایشان نیز می‌توان به عنوان مستند دیگر یاد کرد. عالمان اهل سنت نیز عدالت را به ملکه نفسانی که موجب اجتناب شخص از گناهان کبیره و دوری از اصرار بر گناهان صغیره و ترک انجام امور خلاف مروت می‌شود، معنا می‌کنند. ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ ق) پس از آنکه عدالت را از جمله شرایط راوی برمی‌شمارد، در تعریف آن می‌نویسد: «هیئة راسخة فی النفس تحمل علی ملازمة التقوی والمروثة جمیعاً». (غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۵/ نیز ر.ک: رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۹۸/ آمدی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۷۶ و ۷۷)^{۳۶}

پر واضح است که این مفهوم از عدالت با مفهومی که باورمندان به وجود مفهوم «امامی» در معنای عدالت از آن ارائه می‌دهند، یکسان است.^{۳۷} وحدت معنایی این اصطلاح میان عالمان شیعه و دانشمندان اهل سنت دلیلی بر عدم وجود مفهوم امامی در

آن است، زیرا در غیر این صورت با معنای آن در مذهب اهل سنت منافات خواهد داشت.

۵. روش و سیره عالمان رجالی در یادکرد شرح حال روایت نیز دلیل دیگری است که می‌توان در این مقام بدان استناد جست. در لابلای کتب رجال می‌توان به روایان فاسد المذهبی دست یافت که از ایشان با وصف «عدل» یاد شده است. این خود دلیل آشکاری است که بر امکان جمع میان عدالت و فساد مذهب دلالت دارد؛ برای نمونه، کشتی در خصوص جمعی از روایان فطحی مذهب می‌نویسد: «هؤلاء كلهم فطحية و هم من أجل العلماء والفقهاء والعدول» (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۳۵، رقم ۱۰۶۲)^{۳۸}

آیت‌الله خوئی (۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۳۲۹، رقم ۱۱۹۵۸ و ج ۱۹، ص ۲۲۳، ذیل رقم ۱۲۴۷۱) ذیل عنوان محمد بن ولید بجلی و معاویة بن حکیم با استناد به این سخن کشتی می‌نویسد که ظاهر کلام کشتی، آن است که مقصود وی از عدالت، استقامت در عمل با دوری جستن از محرّمات و مراقبت بر واجبات دینی است که این معنا با فساد عقیده فرد منافاتی ندارد.

همچنین صاحب کتاب *إكلیل المنهج فی تحقیق المطلب* (خراسانی کرباسی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۴۷، رقم ۸۶۹) ذیل ترجمه محمد بن سالم بر این باور است که عبارت «والعدول» بر اطلاق وصف «العدل» بر راوی فاسد المذهب دلالت دارد.

عبارت دیگری که می‌توان در این موضوع بدان استدلال کرد، کلام خواجه‌جوئی (م ۱۱۷۳ق) در بحث از قبول خبر واحد عادل است. او معتقد است که صحیحۀ ابوبصیر بر پذیرش خبر واحد عادل، هرچند مذهب عامه را اختیار کرده باشد، دلالت دارد: «و يدلّ علی قبول خبر العدل الواحد و إن كان عامياً صحیحة أبي بصیر عن الصادق عليه السلام فیمن لم یصم یوم ثلاثین من شعبان، ثم قامت الشهادة علی رؤية الهلال: " لا تقضه إلا أن یتبث شاهدان عدلان من جمیع أهل الصلاة"» (خواجه‌جوئی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۸ و ۲۳۹ به نقل از میرداماد، ۱۴۲۲ق، ص ۹۹)^{۳۹} وجه استناد به این سخن آن است که در عبارت مذکور وجود عدالت در راوی عامی مذهب ممکن تلقی شده است، که این به نوبه خود بر عدم وجود مفهوم «عدالت» بر امامی مذهب بودن فرد دلالت دارد.

استعمال عباراتی از قبیل «امامی عدل» (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۶۴، رقم ۹۹۸۲، ذیل ترجمه علی بن حنظله عجللی) ^{۴۰}، «عدل امامی» (بروجردی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۵۶، ذیل ترجمه هشام بن حکم؛ مؤحد ابطحی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۰/امین، بی تا، ج ۳، ص ۲۷۳ هر دو ذیل ترجمه اسحاق بن عمّار صیرفی)، «عدل امامی ضابط» (غفاری، ۱۳۶۹ش، ص ۱۰۰/حائری اصفهانی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۵۶۰) و یا «عدل من أصحابنا الإمامیة ضابط» (غفاری، ۱۳۶۹ش، ص ۱۰۰) در توصیف راوی از سوی رجال‌شناسان، مستند دیگری در این زمینه است. تصریح به مذهب راوی در اوصاف مذکور خود، دلیلی بر عدم وجود مفهوم «امامی» در مدلول واژه «عدالت» است.^{۴۱}

افزون بر موارد فوق، توجه به مذهب راوی در کنار اشاره به عدالت وی در تعریف حدیث صحیح و نیز تذکر به فساد مذهب راوی عادل در تعریف حدیث موثق، شاهد دیگری بر این مسئله است. از جمله کسانی که به وجود عدالت در راوی فاسد المذهب خبر موثق باور یافته است، آقا جمال‌الدین خوانساری (م ۱۱۲۵ق) است. ایشان در رساله *الطیبة* در تعریف حدیث موثق می‌نویسد: «أن الموثق ما يرويه المخالف العدل في مذهبه» (به نقل از کلباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۵۲)^{۴۲}

۶. اعتبار و حجیت خبر موثق، شاهد دیگری بر ادعای عدم وجود مفهوم امامی در مدلول عدالت است. چنان‌که مفهوم امامی در معنای عدالت وجود می‌داشت، دیگر وجهی برای اعتبار خبر موثق که راوی آن فرد عادل فاسد المذهب است، باقی نمی‌ماند.

با توجه به عبارات گذشته و دلایل فوق، عدالت مشروط در راوی عبارت است از «وثاقت در نقل حدیث و پرهیز از دروغ‌گویی»، که حُسن ظاهر وی طریق کشف این عدالت است. شایسته ذکر است که در مدلول عدالت مذکور، مفهوم «امامی مذهب» بودن راوی جایی ندارد.

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان گفت که عدم ایمان راوی (به معنای امامی اثنی‌عشری بودن) موجب ضعف روایات او نیست، و مفهوم عدالت هیچ دلالت و اشارتی بر امامی مذهب بودن فرد ندارد. از این رو، روایات موثق معتبر و قابل پذیرش

خواهد بود؛ البته نباید از نظر دور داشت که حکم مذکور در باب تعارض میان اخبار صحیح امامی و احادیث موثق دیگر جایگاهی ندارد.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب یاد شده درباره حدیث موثق و اعتبار آن، نکات زیر برداشت می‌شود:

۱. طبق بررسی آرا و نظریات عالمان و فقیهان امامی، دو دیدگاه کلی درباره اعتبار حدیث موثق وجود دارد: یکی اعتبار خبر موثق، و دیگری عدم حجیت آن. احراز نشدن شرایط ایمان و عدالت در راوی غیر امامی مذهب، دلایل باورمندان به بی‌اعتباری خبر موثق است.

باور اعتبار حدیث موثق خود دو دیدگاه را شامل می‌شود: برخی خبر موثق را به طور مطلق، و بعضی دیگر نسبی و تنها موثقاتی را که مشهور بدان‌ها عمل کرده‌اند، معتبر می‌دانند.

۲. درباره اشتراط ایمان در راوی، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است، گروهی آن را پذیرفته و برخی دیگر با آن مخالفت کرده‌اند. به هر روی، باید اشاره کرد که مبنای عمل به خبر راوی، وثاقت و اعتماد به او و پرهیز وی از دروغ است، که با فساد مذهب قابل جمع است. بر این اساس، با توجه به شرایطی که در متن اشاره گردید، می‌توان به روایات راویان غیر امامی عمل کرد.

۳. دیدگاه‌ها درباره اشتراط عدالت در راوی و معنا و مفهوم آن میان عالمان متفاوت و مختلف است. معنا و مفهوم عدالت در عبارات دانشمندان شیعه هر چه باشد، «وثاقت در نقل و پرهیز از دروغ‌گویی» شرط لازم و اساسی در پذیرش خبر است.

سخن استوار درباره ارتباط میان «عدالت» و «امامی مذهب بودن» همان است که دانشمندان بزرگی همچون شهید ثانی، شیخ بهائی، محدث کاشانی، محقق نراقی و دیگران، مبنی بر عدم وجود مفهوم امامی در معنا و مدلول عدالت ذکر کرده‌اند. دلایل متعدد این نظر پیش‌تر اشاره شد.

۴. بر اساس آنچه دربارهٔ حدیث مؤثق، اعتبار آن میان دانشمندان امامی و دو شرط ایمان و عدالت در راوی گذشت می‌توان گفت، چنانچه سیرهٔ عقلا به عنوان مبنای حجیت خبر واحد پذیرفته شود، فساد عقیده مانع مطلق در پذیرش روایت مؤثق نخواهد بود.



پی‌نوشت‌ها:

۱. ملا محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۳ ق) این تقسیم‌بندی را موافق با دسته‌بندی حدیث نزد اهل سنت می‌داند. (۱۴۲۴ق، ص ۱۰۹ و ۱۲۳)
۲. البته شهید ثانی معتقد است که حدیث صحیح و حدیث مؤثق نزد قداما در یک معنا بوده است. (شهید ثانی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۷۵۷)
۳. در اصطلاح به چنین شهرتی، «شهرت عملی» اطلاق می‌شود. (ر.ک: مشکینی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۵)
۴. ر.ک: خوئی، ج ۹، ص ۳۰۸، ش ۵۵۵۴ و ص ۳۱۲، ش ۵۵۵۶.
۵. سید محمد عاملی می‌نویسد که به نظر، مستند علی بن بابویه روایتی باشد که فرزندش، شیخ صدوق، نقل می‌کند: «روی زرعة، عن سماعة قال: سألته عن طلاق الغلام ولم يحتلم و صدقته، فقال: إذا طلق للسنة و وضع الصدقة فی موضعها و حقها فلا بأس و هو جائز.» (ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۰۴، ح ۴۷۶۹) عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸.
۶. گسترهٔ فراوان و شهرت عمل متقدمان به روایت مؤثق تا بدان حد است که شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ ق) از سیرهٔ قداما به عنوان دلیل حجیت مطلق خبر مؤثق یاد می‌کند. (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۹۵)
۷. برای نمونه، علامه حلی، برخی راویان فطحی همچون علی بن حسن بن علی بن فضال (۱۴۱۷ق [الف]، ص ۱۷۷، ش ۱۵)، عبدالله بن بکیر (همان، ص ۱۹۵، ش ۲۴)، محمد بن ولید خزاز (همان، ص ۲۵۳-۲۵۴، ش ۶۹)، معاویه بن حکیم (همان، ص ۲۵۳-۲۵۴، ش ۶۹ و ص ۲۷۴، ش ۳)، مصدق بن صدقة (همان، ص ۲۵۳-۲۵۴، ش ۶۹ و ص ۲۸۲، ش ۲۶)، محمد بن سالم بن عبدالحمید (همان، ص ۲۵۳-۲۵۴، ش ۶۹) و یونس بن یعقوب بن قیس (همان، ص ۲۹۷، ش ۲) را در بخش نخست کتاب خلاصهٔ الأقوال خود که به راویان ثقه و قابل اعتماد اختصاص دارد، آورده است.

۸. ایشان با توجه به مبنای حجیت خبر واحد، تفاوتی میان حجیت خبر صحیح و مؤثق قائل نیست. (۱۳۶۸ق، ج ۵، ق ۲، ص ۱۷۵ و ۱۷۸)
۹. درباره اعتبار و جایگاه اعتبار شهرت عملی روایت و اثرگذاری آن در پذیرش یا عدم پذیرش روایت ر.ک: آهنگران، ۱۳۸۲، ص ۳۸-۶۳/ همو، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳-۱۹۸/ یعقوبی، ص ۱۴۷-۱۷۰/ فیض و علی بهرامی نژاد، ص ۸۵-۱۰۸.
۱۰. البته در عبارات وی «شهرت فتوایی» ذکر شده است، لکن معنایی که از آن ارائه می دهد، همان معنای شهرت عملی است. برای نمونه، شهید اول از «شهرت نزد اصحاب» به عنوان قرینه صحت و اعتبار روایت سود جسته است. (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۲ و ۲۰۴) همچنین درباره روایت مرسل معتقد است که شهرت جابر، ضعف سند است. (همان، ج ۱، ص ۲۷۲/ موارد دیگر را ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۹۵؛ ج ۲، ص ۱۸۶؛ ج ۳، ص ۴۴۲) شهید ثانی و صاحب کتاب ریاض المسائل نیز به پذیرش حجیت شهرت نزد شهید اول اشاره دارند. (ر.ک: ۱۴۱۳ق [الف]، ص ۹۰/ طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۴۷۴)
۱۱. مقاتل بن مقاتل بلخی از روایان حدیث امام رضا علیه السلام است. شیخ طوسی او را با عبارت «واقفی خبیث» یاد کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۶، ش ۵۴۲۸/ خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹، ص ۳۳۸، ش ۱۲۶۳۴)
۱۲. ر.ک: طوسی، ۱۳۶۳ق، ج ۳، ص ۳۰۲، ح ۱۰۷۲/ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۲، ص ۷۷، ح ۲۸۰۶۷. شیخ طوسی این روایت را از کلینی نقل کرده است، اما در نسخه موجود *الکافی* که استاد مرحوم علی اکبر غفاری تصحیح کرده، متن حدیث چنین آمده است: «(لا) یجوز طلاق الصبی إذا بلغ عشر سنین». (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۶، ص ۱۲۴، ح ۵)
۱۳. همان، ج ۶، ص ۱۲۴، ح ۲/ طوسی، ۱۳۶۳ق، ج ۳، ص ۳۰۳، ح ۱۰۷۴. شیخ طوسی درباره تعارض میان دو حدیث مذکور می نویسد: «فلا ینافی ما قدمناه لانا نحمل هذا الخبر علی من لا یعقل و لا یحسن الطلاق لان ذلك معتبر فی وقوع الطلاق». ایشان در ادامه، روایاتی را به عنوان مستند سخن خود ذکر می کند. (۱۳۶۴ش، ج ۸، ص ۷۶، ذیل ح ۲۵۶)
۱۴. از آنجا که این روایت را علی بن حسن بن فضال از حسن بن علی بن یوسف نقل می کند، و در سند روایت راوی ای با کنیه ابوالحسن وجود ندارد که متهم به فساد مذهب باشد، لذا چنین به نظر می رسد که عبارت صحیح «و ابوه الحسن» باشد که در این صورت، علی بن حسن، حدیث

را از پدرش حسن بن علی بن فضال روایت کرده است که در سند حدیث به اشتباه حسن بن علی بن یوسف آمده است.

۱۵. محقق بحرانی در این باره می‌نویسد: «... حیث إن مذهبه كما عرفت نظم المؤتق فی قسم الضعیف» (بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۵۵) البته باید توجه داشت که سید محمد عاملی، هر چند روایات طاطری و عبدالله بن جبلة را که از راویان غیر دوازده امامی‌اند، ضعیف می‌انگارد، لکن او خود روایات سماعة را موثق دانسته و بدان عمل کرده است. (ر.ک: همان، ج ۶، ص ۲۶۰)

۱۶. وی أبان بن عثمان الأحمر بجلی است که برخی، او را ناووسی و گروهی، فطحی مذهب دانسته‌اند. لازم است ذکر شود که آیت‌الله خوئی هیچ یک از این آرا را نمی‌پذیرد. (ر.ک: خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۴۳، ش ۳۷)

۱۷. در مورد حکم به ضعف سند به سبب فساد عقیده راوی ر.ک: حلی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۶۳/ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۰/ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۷.

۱۸. برخی همچون صاحب معالم‌الدین، جایگزین این عنوان از «تکلیف» استفاده می‌کنند، که به واسطه آن خبر فرد دیوانه و صبی، هر چند اهل تمیز باشد، پذیرفته نمی‌شود. (عاملی، بی‌تا، ص ۱۹۹/ بصری، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۳)

۱۹. بر اساس همین شرط است که شهید ثانی روایات مؤتق را نمی‌پذیرد. (برای نمونه ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۵۶) درباره سیر و علل پیدایش این شرط ر.ک: قبادی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲۰. در تعریف حدیث قوی گفته‌اند که آن روایتی است که تمام راویان سلسله سند آن امامی مذهب بوده، اما رجال‌شناسان در مدح و یا قدح تمام و یا برخی از آن‌ها سکوت کرده‌اند؛ البته همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، برخی به خبر موثق، حدیث قوی نیز اطلاق کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق [الف]، ص ۸۴ و ۸۵/ میرداماد، ۱۴۲۲ق، ص ۷۲)

۲۱. شهید ثانی، «ایمان» را دارای دو معنای عام و خاص می‌داند؛ ایمان در معنای عام را همان باور و تصدیق قلبی به آنچه پیامبر ﷺ آورده، می‌داند که این باور قلبی به اقرار زبانی آشکار می‌گردد، و آن را اخص از اسلام و معنای پذیرفته شده میان بیشتر مسلمانان می‌داند. وی معنای خاص ایمان را دو گونه برمی‌شمارد: نخست، باور و تصدیق قلبی به همراه عمل صالح به گونه‌ای که این عمل جزئی از آن باور قلبی است. بر اساس این باور که اعتقاد مذهب فرقه و عیدیه و نزدیک به سخن معتزله است، مرتکب کبیره از دامنه ایمان خارج می‌شود. معنای دوم

ایمان، باور به امامت امامان دوازده گانه (ع) است که معنای شناخته شده از ایمان نزد امامیه همین معناست. (شهید ثانی، ۱۳۴۱ق، ج ۵، ص ۳۳۷)

۲۲. شهید ثانی درباره شیوه علامه حلی می نویسد: «و فی أصول الفقه اشترط فی الراوی الإیمان والعدالة، و فی فروع الفقه له آراء متعددة منها قبول الموثق كما هنا، بل ما هو أدنی مرتبة منه.» (همان، ج ۹، ص ۵۳۳/ نیز ر.ک: عاملی، بی تا، ص ۲۰۰)

۲۳. شیخ حسن نیز می نویسد علامه حلی در خلاصه الأقوال قبول روایات فاسد المذهب را ترجیح داده است. (عاملی، بی تا، ص ۲۰۰) برای مثال، علامه حلی در ترجمه أبان بن عثمان الأحمر که ناووسی مذهب است، می نویسد: «والأقرب عندی قبول روایتی، و إن كان فاسد المذهب للإجماع المذكور.» (حلی، ۱۴۱۷ق [الف]، ص ۷۴، رقم ۳/ موارد دیگر ر.ک: همان، ص ۱۴۱، رقم ۱؛ ص ۲۱۸، رقم ۳) این نکته قابل اشاره است که علامه حلی، راویان غیر امامیه را جزء اصحاب یاد می کند. برای نمونه از اسحاق بن عمار که فطحی مذهب است، با عنوان «كان شيخاً من أصحابنا» یاد می کند. (همان، ص ۳۱۷، رقم ۱)

۲۴. برخی معتقدند که هیچ منافاتی میان فساد عقیده و وثاقت راوی وجود ندارد. (خاقانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۸۶ و ۲۹۹/ خلخالی، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۲۹) از همین روست که در کتب اربعه حدیثی به ویژه کتاب الکافی، روایات فراوانی به نقل از روات غیر امامی، چه عامی مذهب و چه شیعه غیر امامی وجود دارد. (ر.ک: معروف حسنی، ۱۳۹۸ق، ص ۱۴۳-۱۴۵)

۲۵. در مورد علی بن حسن طاطری، که واقفی مذهب بوده و دشمن سرسخت امامیه، آمده است: «وله كتب فی الفقه، رواها عن الرجال الموثوق بهم و بروایتهم، فلأجل ذلك ذكرناها» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۶، رقم ۳۹۰) درباره اسحاق آمده است که وی فطحی و ثقه بوده و کتاب وی قابل اعتماد است. (اردبیلی، بی تا، ج ۷، ص ۱۲) میرزای نوری نیز در مورد زیاد بن مروان قندی می نویسد: «و أما زیاد: فهو واقفی، بل من جملة مؤسسی مذهب الوقف، ولكنه ثقة فی النقل، و كتابه معتمد.» (نوری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۰۴)

۲۶. شیخ انصاری با توجه به روایت امام صادق (ع) در بیان تفاوت میان عوام یهود و عوام شیعه، مناط در تصدیق خبر را پرهیز راوی از کذب برمی شمارد. (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۰۵)

۲۷. از ابوالقاسم حسین بن روح، یکی از نواب خاص امام زمان (ع) در باب چگونگی تعامل با کتاب شلمغانی سؤال شد. او در پاسخ، سخن امام حسن عسکری (ع) در مورد کتب بنی فضال را عنوان داشت که روایاتشان را اخذ و عقایدشان را کنار گذارید. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۸۹، ح

۳۵۵) محقق نراقی ذیل روایت «خذوا بما رووا ودعوا ما رأوا» می‌نویسد که بر پایهٔ اجماع مرگب این روایت بر اخذ قول هر راوی تفه- هر چند امامی نباشد- دلالت دارد. (۴۰۸ق، ص ۴۶۶) شیخ انصاری نیز ذیل این روایت می‌نویسد که هر چند مقصود نخست حدیث بر جواز اخذ روایات کتب بنی فضال است، مفهوم عام آن بر عدم تفاوت میان روایات کتب سایر ثقات و کتب بنو فضال دلالت دارد. (۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۶). شاید بتوان از روایت امام صادق (ع): «حدیث واحد فی حلال و حرام تأخذه من صادق خیر لک من الدنيا و ما فیها من ذهب و فضة» (برقی، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱۶۵) در جهت اکتفا به اشتراط وثاقت راوی برای اعتبار روایت وی استفاده کرد.

۲۸. تفصیلی که شیخ میان «امکان اعتماد به روایت راوی» و «مذهب اعتقادی» وی گذارده است، خود دلیل واضحی است بر این نکته که قدمای اصحاب از فساد مذهب راوی در صورت وثاقت و اعتماد به وی چشم‌پوشی می‌کردند.

۲۹. شیخ طوسی در همانجا به مواردی از این دست راویان مانند خفص بن غیاث، غیاث بن کلوب، نوح بن دراج و اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی اشاره دارد.

۳۰. در ادامه به تناسب به مواردی اشاره خواهد شد.

۳۱. در حکمت و عرفان، عدالت عبارت است از موزون ساختن قوای نفسانی و راست گرداندن افعال آن، آن‌سان که نیرویی نفسانی بر نیرویی دیگر چیرگی نیابد. (به نقل از بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۳) در میان متشرعه از آن با تعاریف متعددی یاد شده است. نخست آنکه از عدالت به عنوان مجرد اسلام و ترک گناه، به‌ویژه گناهان کبیره، و موجبات فسق یاد شده است (همان، ج ۱۰، ص ۱۸) برخی دیگر از اندیشمندان شیعه بر این باورند که عدالت، عبارت است از ملکهٔ نفسانی که موجب ملازمت تقوا و سبب قیام مکلف بر واجبات و اجتناب از کبائر و اصرار بر صغائر شود، و او را به رعایت مروّت و پیروی از محاسن اخلاقی و ادار سازد. (اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۱۱/ بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۳ و ۱۴) پاره‌ای دیگر از اندیشوران، حُسن ظاهر فرد را معنای عدالت دانسته‌اند. (همان، ج ۱۰، ص ۲۳) این معنا از بزرگانی همچون علامه حلّی، قاضی ابن برّاج، ابن حمزه و سلار بن عبدالعزیز نقل شده است. (به نقل از نصیرآبادی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۱۱) آیت‌الله وحید بهبهانی در حاشیه‌المعالم این معنا را مورد اتفاق و اجماع همگان می‌داند. (بی‌تا [الف]، ص ۱۲)

محقق اردبیلی، معنایی دیگر از مفهوم عدالت ارائه می‌دهد. او معتقد است که محور عدالت، بر

اساس آنچه از صحیحۀ عبدالله بن ابی‌یعفور استفاده می‌شود، پرهیز از گناهان کبیره و اطمینان و سکون قلبی به فرد و عدم اتهام اوست. (اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۱۲) معنای دیگری که برای مفهوم عدالت مشروط در راوی ذکر شده، «اعتماد و وثاقت در نقل حدیث» است. این معنا به روشنی از سخن شیخ طوسی قابل استفاده است. (طوسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۵۲)

۳۲. نظیر سخن شیخ طوسی از سوی برخی عالمان اهل سنت نیز نقل شده است. آمدی در معنای عدالت می‌نویسد: «و أما فی لسان المشرعة، فقد یطلق و یراد به أهلیة قبول الشهادة والروایة عن النبی صلی الله علیه وسلم.» (آمدی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۷۶)

۳۳. هرچند کلباسی وجود عدالت در راوی را در قبول روایت وی شرط دانسته، آن را به امری معنا کرده است که موجب وثاقت و اعتماد به راوی می‌شود: «هی التي توجب الثقة والإعتماد.» (کلباسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۱۶)

۳۴. مقصود از حُسن ظاهر آن است که از فرد، آنچه موجب فسق همچون ارتکاب کبائر و اصرار بر صغائر می‌گردد، ظاهر نشود. محقق بحرانی می‌نویسد که این مفهوم باور بسیاری از پسینیان متأخران، با استناد به حدیث صحیح ابن ابی‌یعفور است. راوی در این روایت معنای عدالت مشروط در پذیرش شهادت فرد را از امام جوینا شده است (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۰-۳۳)

۳۵. مرحوم کلینی این حدیث را از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند. (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۲۸)

۳۶. غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۵/ نیز ر.ک: رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۹۸/ آمدی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۷۶ و ۷۷. أبوالمعالی کلباسی همین معنا را به حاجبی و عضدی نیز نسبت می‌دهد. (ر.ک: کلباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶۳) ابراهیم بن علی شیرازی (م ۴۷۶ ق) عدالت را از اوصاف راوی می‌داند و در تعریف آن می‌نویسد: «ینبغی أن یکون عدلاً مجتنباً للکبائر متزهاً عن کل ما یسقط المروءة ...» (صدیقی غماری، ص ۲۲۰)

۳۷. چنانچه پیش‌تر گفته شد، محقق سبزواری و محقق بحرانی معتقدند که علامه حلی در معنای ملکهٔ راسخ از اندیشمندان اهل سنت پیروی کرده است. (سبزواری، بی‌تا، ج ۱، ق ۲، ص ۳۰۵/ بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۶)

۳۸. این روات عبارت‌اند از: محمد بن ولید خزاز و معاویه بن حکیم و مصدق بن صدقة و

محمد بن سالم بن عبدالحمید. البته دربارهٔ راوی اخیر این نکته قابل اشاره است که آیت‌الله وحید بهبهانی در کتاب *تعلیقہ علی منہج المقال* معتقد است که نام صحیح وی، محمد بن عبدالحمید بن سالم است. (بی تا [ب]، ص ۳۰۸)

۳۹. متن کامل حدیث به نقل شیخ طوسی چنین است: «و عنه عن حماد عن شعيب عن أبي بصير عن أبي عبدالله عليه السلام انه سئل عن اليوم الذي يقضى من شهر رمضان فقال: لا تقضه إلا أن يثبت شاهدان عدلان من جميع أهل الصلاة متى كان رأس الشهر، و قال: لا تصم ذلك اليوم الذي يقضى إلا أن يقضى أهل الأمصار فان فعلوا فصمه.» (طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۱۵۷، ح ۴۳۸) هرچند موضوع روایت، رؤیت هلال بوده و مدلول آن، بیانگر پذیرش خبر واحد عادل در صورت وجود شبهه است، اما به هر حال مؤید این نظر است که تلازم میان عدالت و امامی بودن، مطلق و همیشگی نبوده و در مواردی این دو از یکدیگر قابل تفکیک‌اند.

۴۰. نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۶۴، رقم ۹۹۸۲، ذیل ترجمهٔ علی بن حنظلهٔ عجللی. شیخ عبدالحسین شبستری از عبدالرحمن بن سیابة، بیاع سابری با عنوان «امامی عادل» یاد می‌کند. (ر.ک: شبستری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۱۵، رقم ۱۷۹۲)

۴۱. البته این احتمال نیز وجود دارد که تصریح به عدالت راوی پس از اعتراف به امامی بودن وی (مانند کاربردهایی که در بالا گذشت) بر تأکید دلالت داشته و برای دفع شبهه است.

۴۲. به نقل از کلباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۵۲.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، علی بن محمد؛ *الإحكام في أصول الأحكام*؛ تحقیق عبدالرزاق عفیسی، ج ۲، بی‌جا: المکتب الإسلامی، ۱۴۰۲ق.
۳. آهنگران، محمد رسول؛ «اعراض مشهور از خبر صحیح»؛ *مجلهٔ مجتمع آموزش عالی قم*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۴، پاییز ۱۳۸۱.
۴. _____؛ «جبر ضعف روایات به شهرت»؛ *مجلهٔ پژوهش دینی*، شمارهٔ ۶، زمستان ۱۳۸۲.
۵. ابن بابویه، علی؛ *الفقه المنسوب للإمام الرضا (ع)* والمشتهر بـ *فقه الرضا*، ج ۱، مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا (ع)، شوال ۱۴۰۶.
۶. ابن برآج طرابلسی، عبدالعزیز؛ *المهذب*؛ قم: مؤسسهٔ النشر الإسلامی، ۱۴۰۶ق.

۷. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی؛ *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*؛ تحقیق محمد حسون، ج ۱، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق.
۸. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد؛ *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*؛ تحقیق مجتبی عراقی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ ج ۱، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م.
۱۰. اردبیلی، احمد؛ *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*؛ تحقیق مجتبی عراقی و علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی اصفهانی، قم: منشورات جماعة المدرسین، بی تا.
۱۱. استرآبادی، محمد امین؛ *الفوائد المدنیة والشواهد المکیه*؛ تحقیق رحمت الله رحمتی اراکی، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۱۲. امین، سید محسن؛ *أعیان الشیعه*؛ تحقیق حسن امین، بیروت: دار التعارف، بی تا.
۱۳. انصاری، مرتضی؛ *فرائد الأصول*؛ ج ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۱۴. بحر العلوم، سید مهدی؛ *رجال السید بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالیه*؛ تحقیق محمد صادق و حسین بحر العلوم، ج ۱، تهران: مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ش.
۱۵. بحرانی آل عصفور، حسین؛ *عیون الحقائق الناظرة فی تتمه الحدائق الناصرة*؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۱۶. بحرانی، یوسف؛ *الحدائق الناصرة فی أحكام العترة الطاهرة*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۱۷. برقی، احمد بن محمد؛ *المحاسن*؛ تحقیق سید جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق / ۱۳۳۰ش.
۱۸. بروجردی، سید علی اصغر؛ *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال*؛ تحقیق سید مهدی رجایی، ج ۱، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ق.
۱۹. بروجردی، مرتضی؛ *مستند العروة الوثقی: کتاب الصلاة*؛ تقریر بحث آیت الله خوئی، ج ۱، قم: بی نا، ۱۳۶۸ش.
۲۰. باقری، حمید؛ *اعتبار روایات راویان غیر امامی در اندیشه شهیدین*؛ مجموعه مقالات کنگره بین المللی شهیدین، ۱۳۸۸ش.
۲۱. بصری، احمد بن عبدالرضا؛ *المقنعة الأنیسة والمغنیة النفیسة*؛ تحقیق علیرضا هزار، چاپ شده در *رسائل فی درایة الحدیث*، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۵ق / ۱۳۸۳ش.

۲۲. _____؛ فائق المقال فی الحدیث والرجال؛ تحقیق غلامحسین قیصریه‌ها، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق / ۱۳۸۰ش.
۲۳. بهائی عاملی، محمد بن حسین؛ زیادة الأصول؛ تحقیق فارس حسون کریم، چ ۱، بی‌جا: مرصاد، ۱۴۲۳ق / ۱۳۸۱ش.
۲۴. _____؛ مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین؛ قم: مکتبه بصیرتی، بی‌تا.
۲۵. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چ ۴، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
۲۶. حائری، محمد حسین بن عبدالرحیم؛ الفصول الغرویه فی الأصول الفقهیة؛ قم: دار احیاء العلوم الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۲۷. حائری اصفهانی، عبدالرزاق بن علی؛ الوجیزة فی علم درایة الحدیث؛ تحقیق رضا قبادلو، چاپ شده در رسائل فی درایة الحدیث، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۵ق / ۱۳۸۳ش.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة؛ چ ۳، قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۱۴ق / ۱۳۷۲ش.
۲۹. حسینی روحانی، سید محمد صادق؛ فقه الصادق علیه السلام، چ ۲، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۲ق.
۳۰. حلّی، جعفر بن حسن؛ المعتبر فی شرح المختصر؛ تحقیق لجنة التحقیق بإشراف الشیخ ناصر مکارم، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، ۱۳۶۴ش.
۳۱. _____؛ معارج الأصول؛ چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۰۳ق.
۳۲. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ تذکرة الفقهاء؛ بی‌جا: منشورات المکتبة الرضویة، بی‌تا.
۳۳. _____؛ مختلف الشیعة؛ چ ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۴. _____؛ خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال؛ تحقیق جواد قیومی، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق [الف].
۳۵. _____؛ کشف المراد فی شرح تجرید الإعتقاد؛ تحقیق آیت‌الله حسن‌زاده آملی، چ ۷، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق [ب].
۳۶. حلّی، محمد بن حسن؛ ایضاح العوائد فی شرح إشکالات التواعد؛ تحقیق سید حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی و عبدالرحیم بروجردی، چ ۱، قم: المطبعة العلمیه، ۱۳۸۷ق.
۳۷. حلّی، مقداد بن عبدالله؛ التنقیح الرائع لمختصر الشرائع؛ تحقیق سید عبدالطیف حسینی کوه‌کمری، چ ۱، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ق.

۳۸. خاقانی، علی؛ رجال الخاقانی؛ تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، ج ۲، قم: مرکز نشر مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳۹. خراسانی کرباسی، محمدجعفر؛ إکلیل المنهج فی تحقیق المطلب؛ تحقیق سید جعفر حسینی، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۲ش.
۴۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ الکفایة فی علم الروایة؛ تحقیق احمد عمر هاشم، ج ۱، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.
۴۱. خلخالی، سید رضا؛ کتاب الحج؛ محاضرات آیت الله خوئی، ج ۲، قم: لطفی، ۱۳۶۴ق.
۴۲. خوئی، سید ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة؛ ج ۵، بی جا: بی نا، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م.
۴۳. خواجهی، محمد اسماعیل بن حسین؛ الفوائد الرجالية؛ تحقیق سید مهدی رجایی، ج ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۳ق / ۱۳۷۲ش.
۴۴. رازی نجفی، محمدتقی؛ هداية المسترشدين؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامی، بی تا.
۴۵. رازی، محمد بن عمر؛ المحصول فی علم الأصول؛ تحقیق طه جابر فیاض علوانی، ج ۲، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ق.
۴۶. زبیدی، سید محمد مرتضی؛ تاج العروس؛ تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۴م.
۴۷. سبحانی، جعفر؛ أصول الحدیث و أحكامه فی علم الدراية؛ ج ۳، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
۴۸. سبزواری، محمدباقر؛ ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد؛ بی جا: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بی تا.
۴۹. _____؛ کفایة الفقه المشتهر بکفایة الأحكام؛ تحقیق مرتضی واعظی أراکی، ج ۱، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۳ق.
۵۰. شبستری، عبدالحسین؛ الفائق فی رواة و أصحاب الإمام الصادق عليه السلام؛ ج ۱، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ق.
۵۱. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی عاملی؛ ذکرى الشيعة فی أحكام الشريعة؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۹ق.

۵۲. _____؛ غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد؛ تحقیق رضا مختاری، ج ۱، قم: مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۱۸ق/ ۳۷۶ش.
۵۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ الرعاية فی علم الدراية؛ تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، ج ۲، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي، ۱۴۱۳ق. الف
۵۴. _____؛ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية؛ تحقیق سید محمد کلانتر، ج ۲، منشورات جامعة النجف الدينيه، ۱۳۹۸ق.
۵۵. _____؛ حقائق الايمان؛ تحقیق سید مهدی رجایی، ج ۱، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۹ق.
۵۶. _____؛ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ ج ۱، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق [ب].
۵۷. شهیدی، روح الله؛ «ملاكهاى قدما در ارزيابى و نقد حديث در آيينه فهرست‌هاى رجالى»؛ حديث اندیشه، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۶ش.
۵۸. شیخ عبدالحسین؛ أقطاب الدوائر فی تفسیر آية التطهير؛ قم: دار القرآن، ۱۴۰۳ق.
۵۹. صدر، سید حسن؛ نهاية الدراية شرح الوجيزة؛ تحقیق ماجد الغرابوی، بی‌جا: نشر المشعر، بی‌تا.
۶۰. صدوق، محمد بن علی؛ الخصال؛ تصحیح علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۳ق/ ۳۶۲ش.
۶۱. _____؛ من لا يحضره الفقيه؛ تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: منشورات جماعة المدرسين، بی‌تا.
۶۲. صدیقی غماری، عبدالله بن محمد؛ تخريج أحاديث اللمع فی أصول الفقه؛ ج ۲، بیروت: عالم الكتاب، ۱۴۰۶ق.
۶۳. طباطبایی، سید علی؛ رياض المسائل؛ ج ۱، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۶۴. طوسی، محمد بن حسن؛ إختيار معرفة الرجال؛ تحقیق سید مهدی رجایی، مؤسسۀ آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ق.
۶۵. _____؛ الإستبصار فيما اختلف من الأخبار؛ تحقیق سید حسن موسوی خراسان، ج ۴، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۳ق.
۶۶. _____؛ تهذيب الأحكام فی شرح المقنعة؛ تحقیق سید حسن موسوی خراسان، ج ۳،

تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۴ش.

۶۷. _____؛ رجال الطوسی؛ تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.

۶۸. _____؛ العدة فی أصول الفقه؛ تحقیق محمدرضا انصاری قمی، چ ۱، محقق، ۱۳۷۶ش / ۱۴۱۷ق.

۶۹. _____؛ الفهرست؛ تحقیق جواد قیومی، چ ۱، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.

۷۰. طوسی، محمد بن حسن؛ کتاب الغیبه؛ تحقیق عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.

۷۱. عاملی، حسن بن زین الدین و معالم الدین و ملاذ المجتهدین؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.

۷۲. _____؛ منتقى الجمال فی الأحادیث الصحاح والحسان؛ تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۲ش.

۷۳. عاملی، حسین بن عبدالصمد؛ وصول الأخبار إلى أصول الأخبار؛ تحقیق سید عبداللطیف کوه کمری، قم: مجمع الذخائر الإسلامیه، ۱۴۰۱ق.

۷۴. عاملی، سید محمد؛ مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام؛ چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۰ق.

۷۵. _____؛ نهایه المرام؛ تحقیق مجتبی عراقی و علی پناه اشتهااردی و حسین یزدی، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ق.

۷۶. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله؛ بهجة الأمال فی شرح زیادة المقال؛ تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۹ق / ۱۳۶۷ش.

۷۷. غروی تبریزی، علی؛ کتاب الطهارة؛ تقریر بحث آیت الله خوئی، چ ۳، قم: دار الهادی، ۱۴۱۰ق.

۷۸. غزالی، محمد بن محمد؛ المستصفی فی علم الأصول؛ تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م.

۷۹. غفاری، علی اکبر؛ دراسات فی علم الدرایته؛ چ ۱، جامعه الإمام الصادق (ع)، ۱۳۶۹ش.

۸۰. فاضل آبی، زین الدین؛ کشف الرموز فی شرح المختصر النافع؛ تحقیق علی پناه اشتهااردی و حسین یزدی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۸ق.

۸۱. فضلی، عبدالهادی؛ أصول الحدیث؛ چ ۳، بیروت: مؤسسه أم القرى، ۱۴۲۱ق.

۸۲. فیض، علیرضا و علی بهرامی نژاد؛ «بررسی حجیت شهرت فتوایی در اصول متلفات با رویکردی بر دیدگاه آیت‌الله بروجردی»؛ خویی و امام خمینی، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۳.
۸۳. قبادی، مریم؛ «جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجالی شیعه»؛ مقالات و بررسیها، دفتر ۷۲، ۱۳۸۱ش.
۸۴. قمی، ابوالقاسم؛ غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام؛ تحقیق عباس تبریزیان، ج ۱، قم: مرکز النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق/ ۱۳۷۵ش.
۸۵. _____؛ قوانین الأصول؛ چاپ سنگی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۸۶. _____؛ مناهج الأحكام؛ ج ۱، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
۸۷. کرکی، علی بن حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۰۸ق.
۸۸. کلباسی، ابوالهدی؛ سماء المقال فی علم الرجال؛ تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، ج ۱، قم: مؤسسه ولی عصر (عج)، ۱۴۱۹ق.
۸۹. کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم؛ الرسائل الرجالیه؛ تحقیق محمد حسین درایتی، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق/ ۱۳۸۰ش.
۹۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج ۳، بی‌جا: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۹۱. کنی، علی؛ توضیح المقال فی علم الرجال؛ تحقیق محمد حسین مولوی، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۱ق/ ۱۳۷۹ش.
۹۲. مازندرانی، محمد صالح؛ شرح أصول الکافی؛ به همراه تعلیقه‌های میرزا ابوالحسن شعرانی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۹۳. مامقانی، عبدالله؛ مقیاس الهدایة فی علم الدراییة؛ تحقیق محمدرضا مامقانی، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۱۱ق.
۹۴. محسنی، محمد آصف؛ بحوث فی علم الرجال، قم: سید الشهداء (عج)، ۱۴۰۳ق.
۹۵. مدنی شیرازی، سید علی خان؛ ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین؛ تحقیق سید محسن حسینی امینی، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
۹۶. مشکینی، علی؛ اصطلاحات الأصول؛ قم: الهادی، ج ۵، ۱۴۱۳ق/ ۱۳۷۱ش.

۹۷. معروف حسنی، هاشم؛ *دراسات فی الحدیث والمحدثین*؛ ج ۲، بیروت: دار التعارف، ۱۳۹۸ق/ ۱۹۷۸م.
۹۸. موحد ابطحی، محمدعلی؛ *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال*؛ ج ۲، قم: ابن المؤلف، ۱۴۱۷ق.
۹۹. میرداماد، محمدباقر بن محمد؛ *الرواح السماویة*؛ تحقیق غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌الله جلیلی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق/ ۱۳۸۰ش.
۱۰۰. نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ج ۷، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۱۰۱. نجفی، محمد حسن؛ *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*؛ تحقیق شیخ عباس قوچانی، ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۰۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی؛ *مستند الشیعة فی أحكام الشریعه*؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق.
۱۰۳. _____؛ *عوائد الأيام*؛ قم: مکتبه بصیرتی، حجریه، ۱۴۰۸ق.
۱۰۴. نصیرآبادی نقوی هندی، سید علی محمد؛ *الجوهرة العزیزة فی شرح الوجیزة*؛ تحقیق محمد برکت و نعمت‌الله جلیلی، چاپ شده در *رسائل فی درایة الحدیث*، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۵ق/ ۱۳۸۳ش.
۱۰۵. نمازی شاهرودی، علی؛ *مستدرکات علم رجال الحدیث*؛ ج ۱، ابن المؤلف، ۱۴۱۲ق.
۱۰۶. نوری، حسین؛ *خاتمة مستدرک الوسائل*؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق.
۱۰۷. وحید بهبهانی، محمدباقر؛ *الرسائل الفقہیة*؛ ج ۱، قم، منشورات مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۹ق.
۱۰۸. _____؛ *الفوائد الرجالیة*؛ بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا [الف].
۱۰۹. _____؛ *تعلیقة علی منهج المقال*؛ بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا [ب].
۱۱۰. _____؛ *حاشیة مجمع الفائدة والبرهان*؛ ج ۱، بی‌جا: قم: منشورات مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۷ق.
۱۱۱. همدانی، آقا رضا؛ *مصباح الفقہیة*؛ تهران: مکتبه الصدر، چاپ سنگی، بی‌تا.
۱۱۲. یعقوبی، ابوالقاسم؛ «جایگاه شهرت در اندیشه محقق حلی»؛ *مجله فقه*، شماره ۹.